

جستاری در جهانی شدن و تحول در قراردادهای انتقال تکنولوژی

مصطفی ماندگار*

دکترای حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۵/۳۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۸/۲۶)

چکیده:

جهانی شدن، فرآیندی جهان شمول است که رواج روزافزون یافته و همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و حقوقی جوامع را تحت تأثیر قرار داده است. تقدیری که تدبیر شایسته می‌طلبید. مبادلات تجاری آزاد و انتقال بین‌المللی تکنولوژی از جمله موضوعات مطرح و مهم در حوزه جهان گرایی اقتصادی است. مبادله تجاری تکنولوژی در سطح ملی و بین‌المللی در قالب سازو کارهای قراردادی مختلف صورت می‌گیرد که به واسطه طبیعت خاص این دسته از قراردادها و تأثیرپذیری آنها از عوامل اقتصادی، تجاری و حقوقی گوناگون باید به تعریف معیارهای ویژه و جدید برای این دسته از قراردادها دست زد. در این جستار با نگاهی به مبانی و مفاهیم تجارت آزاد و ضرورت های ناشی از جهانی شدن اقتصاد، به برخی از تحولات و پیامدهای حقوقی این فرآیند در قراردادهای انتقال تکنولوژی خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی:

جهانی شدن، تجارت آزاد، انتقال تکنولوژی، پیامدهای حقوقی.

مقدمه

تردیدی نیست که از منظر اقتصادی رشد و توسعه تنها برکار و سرمایه به عنوان عوامل تولید تکیه ندارد بلکه کاربرد تکنولوژی و تکنیک استفاده از این عوامل تأثیری مهم تر و شاید فراگیرتر در رشد اقتصادی و سنجش میزان آن دارد. صرف نظر از سودمندی یا زیانباری تکنولوژی و دیدگاههای واقع گرایانه، خوش بینانه و یا بدبینانه که در خصوص اهمیت استفاده از تکنولوژی وجود دارد و پرداختن به آنها از حوصله این بحث خارج است، امروزه جهانی شدن به طور اعم و به ویژه در حوزه اقتصاد و تأثیر آن بر مبادلات تکنولوژیک یکی از موضوعاتی است که هم از بعد اقتصادی و تجارت بین الملل و هم از منظر حقوقی در کانون توجه قرار دارد (اخلاقی، ۱۳۸۳، ص ۱۱). امروزه تجارت آزاد و اقتصاد بازار و «فرآیند جهانی شدن آن»، به صورت نظریه غالب در اقتصاد و تجارت بین المللی مورد پذیرش قرار گرفته است، فرآیندی که به منزله یک سازوکار اقتصادی - حقوقی مطلوب و گریزناپذیر جهت مبادله آزادانه همه نوع محصولات و خدمات مبدل شده و در پرتو آن همه ذهنیت ها و عینیت ها در حال دگرگونی و تحول روزافزون هستند، و با در هم نوردیدن مرزها، یکسان سازی موقعیت جوامع مختلف در بهره مندی از منافع آن و عدم مصونیت در برابر مخاطرات احتمالی ناشی از آن را در پی خواهد داشت.

فارغ از پرداختن به فواید و آثار مفید تکنولوژی بر زندگی و تمدن بشری، در این جستار درصددیم تا ضمن پرداختن به بحث شکل گیری و انواع بازارهای تکنولوژی در حوزه های مختلف ملی و جهانی، به ارتباط و اهمیت فرآیند جهانی شدن اقتصاد و آزاد سازی تجاری بر تجارت و قراردادهای انتقال تکنولوژی پرداخته و ضمن مطالعه وضعیت موجود، به ضرورت پیوند بین اقتصاد و حقوق اقتصادی ملی با تجارت و حقوق تجارت بین المللی نگاهی بیاندازیم.

در اینجا به منظور فهم بهتر موضوع از منظر اقتصادی پاره ای واژگان کلیدی مرتبط را به اختصار تعریف می کنیم:

جهانی شدن (Globalization): این اصطلاح که دست کم در دو دهه اخیر گسترش روزافزون یافته است،^۱ برغم رواج و اهمیت آن، هنوز از تعریفی روشن، جامع و مانع برخوردار نیست و با گذر زمان نیز به جای آنکه مفهوم دقیق آن روشن شود، بر حیطه شمول و دامنه آن افزوده شده و گستردگی بیشتر می یابد. در حقیقت این مفهوم متضمن روندی از

۱. اصطلاح جهانی شدن برای نخستین بار بوسیله پرفسور Theodore Levitt در سال ۱۹۸۳ در مقاله ای تحت عنوان «جهانی شدن و بازار» در مجله بازرگانی دانشگاه هاروارد استفاده شد. ر.ک. به:

<http://www.ifla.org/iv/ifla73/index.htm>

دگرگونی و عبور از مرزهای سیاست و اقتصاد است؛ به طوری که علم و فرهنگ و حتی سبک زندگی بشر را در بر می‌گیرد. از این رو جهانی شدن را می‌توان پدیده‌ای چند بعدی دانست که به اشکال مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، نظامی، تکنولوژی، محیط زیست و... تسری می‌یابد (کمالی اردکانی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۹).

از خصایص جهانی شدن این است که فرآیندی طبیعی محسوب می‌شود که در اثر فناروی اطلاعات (Information Technology) و ارتباطات الکترونیک، موجب فشردگی و تراکم جهان و خودآگاهی جمعی در میان انسانها می‌شود. بر این اساس جهانی شدن امری برآمده از تاریخ، ریشه دار و فراگردی گسترده و همه جانبه در عرصه های مختلف زندگی بشری است که مرزهای ملی را درنوردیده و واقعیتی در حال تکوین است.

جهانی شدن اقتصاد (Economic Globalization): در واقع جهانی شدن اقتصاد به عنوان یکی از حوزه های جهانی شدن، پدیده‌ای بسیار مهم و جدید است که در تحلیل ماهیت و ساختار نظم اقتصادی و سیاسی و بین‌المللی کشورهای جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد. سطحی ترین شکل جهانی شدن اقتصاد این است که به یک واحد اقتصادی مشابه در سراسر جهان مرتبط شود (سلطانی، ۱۳۸۲، ص ۲۲). جهانی شدن اقتصاد به طور کلی به معنی «از بین رفتن عرصه و مرزهای اقتصادی ملی است و ویژگی بارز آن عبارت است از ادام تدریجی اقتصادهای ملی در اقتصاد بین‌الملل از طریق گسترش حجم تجارت کالاها و خدمات و سرمایه گذاری‌های بین‌المللی. در این شرایط عرصه اقتصاد بین‌الملل، صحنه مبارزه کشورها نیست، بلکه میدان مسابقه ای است که هر رقیب می‌خواهد برنده آن باشد» (جوان، ۱۳۸۱، ص ۲۴۱).

تجارت آزاد (Free Trade): این مفهوم به معنای سیاست عدم مداخله دولت در تجارت بین‌المللی است. در قالب این روش، تجارت بر مبنای تقسیم بین‌المللی کار و نظریه مزیت نسبی صورت می‌گیرد. این روش سبب می‌شود که تخصیص بهینه منابع در سطح جهانی صورت گرفته و درآمد حداکثر شود. با این همه باید گفت برغم پشتوانه قوی تئوریک این مفهوم، بعید است که تجارت کاملاً آزادانه به وسیله کشوری صورت گیرد چرا که دولتها ممکن است در امر تجارت به عللی غیر از ملاحظات تجارتي دخالت کنند؛ مثلاً برای دفاع ملی یا به دلایل اجتماعی.

یک) ضرورت شکل گیری و منافع حاصل از تجارت آزاد تکنولوژی

الف- مبانی نظری شکل گیری و اهمیت تجارت آزاد تکنولوژی

بعد از جنگ جهانی دوم در پرتو تحولات علمی و تکنولوژیک در حوزه های حمل و نقل، ارتباطات، اطلاعات و فرایندهای تولید انواع محصولات و عرضه خدمات گوناگون، نظام

سرمایه داری موفق شد اشکالی نوین از تقسیم کار و تخصص را در اقتصاد جهانی ایجاد کند (هادی زور، ۱۳۷۹، ص ۱). «خود اتکایی و خود بستگی در این جهان یکپارچه، نه مطلوب است و نه مقدور» همان، ص ۳؛ از اینرو بدون انکار اهمیت بررسی نظام سرمایه داری در آینده، باید بر این عقیده بود که برای کشورهای کمتر توسعه یافته مانند ایران، تغییر مناسبات اقتصادی در مقیاس جهانی نمی تواند هدفی نزدیک و دست یافتنی در کوتاه مدت باشد بلکه مسئله اصلی چنین کشورهایی، گذار موفقیت آمیز از جامعه سنتی به جامعه صنعتی است. در این تحول ساختاری، نقش دولتهای ملی در خور توجه است و در تسریع یا تعویق این تحول اهمیت کلیدی دارد. از جمله مسائل مهم سیاستگذاری برای تحقق این گذار، تنظیم و تنسيق مناسبات اقتصادی ملی و بسترهای حقوقی مطلوب متناسب با ضرورتها و شرایط اقتصاد جهانی است. طرفداران تجارت آزاد معتقدند تخصصی شدن امور بازدهی بیشتر را برای عوامل تولید در پی خواهد داشت. اقدام کشورهای مختلف برای وضع قوانین و مقررات ضد انحصار و فراهم کردن زمینه امکان رقابت در این چارچوب صورت می گیرد. تشکیل اتحادیه های گمرکی و منطقه ای و سازمانهای مختلف اقتصادی - حقوقی بین المللی در جهت گسترش تجارت آزاد جهانی، از دیگر اقداماتی است که در دهه های اخیر به طور جدی دنبال می شود. در توجیه مبانی نظری بحث، تئوری های تجارت بین الملل اساساً بر منافع حاصل از تجارت به دلیل تفاوت هزینه های تولید و مزیت های نسبی در میان کشورهای مختلف تأکید دارند. بنا بر فرضیات موجود، تخصص و تجارت، کشورها را قادر خواهد ساخت تا از کالاها و خدمات بیشتر - در مقایسه با یک سیستم خودکفا - استفاده کنند چون در شرایطی که تخصص و مهارت نیروی کار در تولید کالای خاصی بیشتر است، تولید و تجارت آن کالا به افزایش رفاه اقتصادی منجر خواهد شد. در واقع کشورها در تولید کالاهایی تخصص می یابند که بتوانند آن را با هزینه های پایین تر تولید کنند (نظریه مزیت مطلق). اما چنانچه از میان دو کشور یکی در تولید کالایی نسبت به دیگری کارا تر باشد، هر دو کشور همچنان از تجارت منتفع خواهند شد زیرا هنوز تفاوت در کارایی نسبی وجود دارد و لذا هر کشور می تواند با تخصص در تولید و صادرات کالایی که در آن کارا تر است، منتفع شود (نظریه مزیت نسبی)^۱.

از عوامل مهم که ممکن است باعث تفوق و مزیت نسبی یک کشور بر کشور دیگر شود، تفاوت سطح تکنولوژیک و برخورداری یک کشور از دارایی های فکری بیشتر و پیشرفته تر است؛ چنانکه به دلیل بالاتر بودن سطح و میزان اختراعات و یا دانش فنی، برخی از تولید

۱. برای دیدن سایر دیدگاهها منجمله دیدگاههای هکشر - اوهلین ر.ک. به:

Stewart Frances (1981). **Technology and undevelopment**, second edition, London, Mac Milan press LTD, P.157.

کنندگان محصولات یا عرضه کنندگان خدمات بر سایرین مزیت نسبی خواهند داشت و بالطبع کشور یا کشورهای مزبور از طریق تجارت تکنولوژی به منافع بیشتری دست می‌یابند.

انتقال تکنولوژی (Transfer of Technology) در بحث حاضر، مفهومی است که متضمن حضور دو طرف قراردادی مقابل یا مشتمل بر ترتیباتی است که در قالب حقوقی به مبادله تکنولوژی می‌انجامد و دارای وجه قراردادی و تجاری است. لیکن دستیابی به تکنولوژی (Access To Technology) به معنای حق استفاده یا شیوه‌هایی است که تکنولوژی را در دسترس عموم، اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی قرار می‌دهد و آنها را در بهره‌برداری از تکنولوژی مورد نیاز متمکن می‌سازد. دسترسی داشتن ممکن است به معنای انتشار و گردش آزاد اطلاعات و علوم و فنون تکنولوژیک باشد بدون اینکه ضرورتاً در قالب قراردادی و تجاری بگنجد. دسترسی داشتن به تکنولوژی از جمله حقوقی است که تمام ملل و کشورها در آن ذی‌حق بوده و می‌توانند از آن به عنوان میراث مشترک و حقوق بنیادین بشری استفاده کنند؛ میراثی که هیچ کشور یا شخصی نمی‌تواند ادعا کند حق و امتیاز انحصاری نسبت به آن دارد و می‌تواند از آن فقط برای منافع خود استفاده کرده و دیگر اشخاص و گروه‌ها را از فواید آن محروم کند. اما باید توجه داشت که آزادی دسترسی به تکنولوژی بدان مفهوم نیست که اصول حاکم بر آزادسازی اقتصادی و تجارت آزاد نادیده انگاشته شود. به دیگر سخن، دستیابی آزاد تمامی اقوام و ملل از تکنولوژی و تساوی کاربرد این حق میان کشورهای مختلف، اصلی پذیرفته شده حقوقی در سطح بین‌المللی است، اما انتقال تکنولوژی علی‌الاصول متضمن مجموعه‌ای از ترتیبات قراردادی - تجاری است که از اقتضانات ویژه قراردادی و حقوقی تبعیت می‌کند. تلاش‌های مجامع و نهادهای مختلف بین‌المللی مانند «کمیسیون توسعه صنعتی ملل متحد» (UNIDO) و «کمیسیون تجارت و توسعه ملل متحد» (UNCTAD) و «سازمان جهانی مالکیت فکری» (WIPO)، در راستای حمایت از جریان آزاد تکنولوژی و دسترسی تمام کشورها اعم از کوچک و بزرگ، فقیر و غنی، دارای توان تکنولوژی بالا یا بدون آن، به تکنولوژی مدرن است؛ زیرا آزادی دستیابی به تکنولوژی، برای هر کشوری می‌تواند تضمین‌کننده سهمی برابر و مساوی از پیشرفتهای تکنولوژیک در نظامهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باشد (Kasto, 1993: P.125).

همکاری و مساعدتهای تکنولوژیک موجود در سطح بین‌المللی در تسهیل دسترسی به تکنولوژی امروزی و جدید مؤثر است. این در حالی است که اگر چه جریان آزاد تکنولوژی به معنای دسترسی به تکنولوژی است، لیکن هنوز هم میان آزادی دسترسی به تکنولوژی با تلاشهای انجام پذیرفته در حذف یا ممانعت از وضع قوانین و سایر عوامل محدودکننده آزادی مزبور، فاصله نسبتاً زیادی وجود دارد (ibid: P.126). به دیگر سخن برغم این واقعیت که تمایل

موجود در صحنه بین‌المللی از یک طرف خواهان حصول اطمینان از آزادی جریان تکنولوژی است، از طرف دیگر موانع زیادی وجود دارند که این آزادی را تضعیف می‌کنند و دسترسی آسان به تکنولوژی را محدود و یا از آن جلوگیری به عمل می‌آورند. موانعی که عموماً از جنس حقوق مالکیت‌های فکری - تکنولوژیک هستند و در پرتو موازین قانونی موجود از حمایت بین‌المللی و ملی برخوردارند و نادیده انگاشتن یک سویه آنها، قطعاً خود از عوامل بازدارنده در جریان آزاد تکنولوژی و تجارت آزادانه آن خواهد بود که شرح و بسط این موضوع مجال دیگری را می‌طلبد.

ب- پیامدهای تحولات جهان‌گرایی اقتصادی در زمینه انتقال تکنولوژی

یک واقعیت است که روند جهانی شدن اقتصاد و تجارت آزاد به سرعت در حال گسترش است. طبیعی است که چنین فرآیندی توأم با آثار و پیامدهای مختلف مثبت و منفی در حوزه اقتصادی و حقوقی خواهد بود. در حالی که امروزه عمده تجارت جهانی در بین کشورهای عضو خانواده سازمان تجارت جهانی انجام می‌شود، هم‌سویی با این فرآیند، انکار ناپذیر می‌نماید. در ادامه به برخی آثار جهان‌گرایی اقتصادی در حوزه انتقال تکنولوژی اشاره خواهیم کرد:

۱- پیامدهای غیرحقوقی

قدر مسلم این است که نیاز به تکنولوژی در کشورهای در حال توسعه افزایش یافته است و در چشم انداز معادلات اقتصادی و مالی جهانی، اکثر کشورهای مزبور به اهمیت قاطع و فزاینده تکنولوژی برای قابلیت رقابت پذیری در تجارت بین‌المللی پی برده‌اند. در این راستا تلاشهایی نیز بوسیله کشورهای فوق برای کاهش فاصله و شکاف تکنولوژیک خود با کشورهای بیشتر توسعه یافته و دستیابی به تکنولوژی‌های مورد نیاز صورت گرفته است. اما سؤال این است که آیا تلاش‌های مزبور با توجه به تغییرات حادث شده در حوزه تکنولوژی و رفتار صاحبان تکنولوژی، می‌تواند مناسب و مثبت ارزیابی شود؟

بدون اقدام مناسب و حساب شده از جانب جوامع فعال اقتصادی - حقوقی بین‌المللی، بویژه سازمان ملل متحد و ارگان‌های حقوقی و اقتصادی وابسته به آن، بعید است که پیشرفتی قابل ملاحظه و چشمگیر در پر کردن شکاف موجود به دست آید. تلاش‌های صورت گرفته بوسیله کمیسیون توسعه و تجارت سازمان ملل متحد در دهه ۱۹۷۰ میلادی در جهت تدوین مجموعه‌ای از مقررات مربوط به انتقال تکنولوژی با هدف تسهیل گردش و مبادله آزاد

تکنولوژی، از جمله تلاش‌های انجام شده بوسیله فعالان عرصه تجارت بین‌المللی تکنولوژی است (Skelton, 1981 : P.381).

در این راستا تلاش‌های انجام شده از سوی سازمان تجارت جهانی به نحوی موثر در انتقال تکنولوژی از کشورهای بیشتر توسعه یافته به کشورهای کمتر توسعه یافته کارگر واقع شده است. همانگونه که می‌دانیم این سازمان از طریق موافقت نامه‌های مختلف در ایجاد فضای آزاد تجاری برای اعضایی که در تجارت بین‌الملل درگیر هستند، ایفای نقش می‌کند. موافقت نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (TRIPS) حاوی مقرراتی خاص در باب حمایت از حقوق مالکیت فکری می‌باشد که سبب می‌شود شرکت‌های فعال در کشورهای کمتر توسعه یافته با انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک و یا سایر ترتیبات همکاری، قادر باشند با عنایت به تسهیل شرایط تجاری، زمینه تسهیل انتقال تکنولوژی را به کشورهای خود فراهم آورند. حمایت هر چه بیشتر از حقوق مالکیت‌های فکری سبب می‌شود شرکای خارجی در سرمایه‌گذاری مشترک و پذیرفتن تعهد بیشتر در تحقیق و توسعه در کشورهای کمتر توسعه یافته و میزبان، ترغیب و تشویق شوند. بعد از این فرآیند است که شرکای داخلی می‌توانند هم بر محتوای تحقیقات تکنولوژیک و هم بر اولویت‌های آن تأثیر بگذارند (گروه کارشناسان مذاکرات تجاری، ۱۳۸۱، ص ۱۰۲). بنابراین می‌توان این گونه استدلال کرد که حمایت از حقوق مالکیت فکری آن چنانکه در موافقت نامه «تریپس» پیش بینی شده است، در نهایت آثاری مثبت بر رشد فرآیندهای اختراعی در کشورهای در حال توسعه باقی خواهد گذاشت. گرچه در کوتاه مدت ممکن است صناعی را در بخش‌هایی معین وادار کند بهایی بیشتر برای به دست آوردن حق اختراع تکنولوژی‌های ثبت شده بپردازند.

«شورای تریپس» (TRIPs Council) که اجرای موافقت نامه را کنترل و نظارت می‌کند، کشورهای توسعه یافته را متعهد می‌کند تا انگیزه‌های لازم را در شرکت‌های بزرگ به منظور ارتقاء و تشویق انتقال تکنولوژی به کشورهای با کمترین درجه توسعه یافتگی ایجاد کند. همچنین در زمینه فناوری اطلاعات، موافقت نامه فناوری اطلاعات که رسماً از آن به عنوان «اعلامیه وزیران در خصوص تجارت در محصولات فناوری اطلاعات» (Ministerial Declaration on Trade in Information Technology Products) یاد می‌شود با تقلیل موانع در واردات و صادرات محصولات فناوری اطلاعات، زمینه تسهیل انتقال تکنولوژی (با در دسترس قرار دادن این محصولات) به کشورهای در حال توسعه را فراهم کرده است (همان، ص ۱۰۳).

در حوزه خدمات نیز می‌توان گفت آزاد سازی تجارت به موازات تأثیر تکنولوژی بر سایر فعالیت‌های اقتصادی، می‌تواند موجبات تسهیل تجارت خدمات را فراهم آورد. بدون تردید هیچ اقتصادی بدون وجود خدمات حمل و نقل، ارتباطات، خدمات بهداشتی، خدمات

آموزشی، خدمات مالی و غیره نمی‌تواند فعالیت کند. موافقت نامه سازمان تجارت جهانی و خصوصاً مقررات «موافقت نامه عمومی در خصوص تجارت خدمات» (GATS) که ناظر به خدمات مالی باشند، امکان پذیرترین و مستعدترین فضای لازم را برای گسترش آزاد سازی خدمات ارائه کرده است (باقری، ۱۳۸۵، ص ۷۱). بدیهی است فضای مستعد موجود و مقررات یاد شده، زمینه را برای تسهیل انتقال تکنولوژی های مناسب خدماتی فراهم می‌آورد.

با ملاحظه اهداف مزبور در مقدمه «توافق نامه کلی»^۱ و «توافق نامه مؤسس»^۲ سازمان تجارت جهانی که بطور کلی عبارت از بهبود و توسعه و رفاه زندگی مردم کشورهای مختلف می‌باشد، به این نتیجه می‌رسیم که اهداف یاد شده با آزاد سازی تجارت یا تجارت آزاد در سطح جهان رو به تحقق خواهد بود. در تحقق این منظور حاکمیت سه اصل عام و موسع ذیر بر تجارت داخلی و خارجی کشورها، مورد پذیرش قرار گرفته است (نیکبخت، ۱۳۸۲، ص ۸۰):

۱- «اصل الغای تمامی تبعیضهای تجاری»، که مشتمل بر اصولی مانند اصل رفتار ملی (عدم تبعیض در رفتار با تولیدات یا خدمات داخلی و خارجی)، اصل دول کامله الوداد (عدم تبعیض در رفتار با کشورهای مختلف متعاقد و عضو موافقت نامه)، منع اعطای یارانه و... است.

۲- «اصل منع محدودیتها در جریان تجارت» که در پرتو الزام به کاهش تعرفه ها و سلب حق افزایش آنها یا منع وضع مالیات و عوارض گمرکی بیش از حد برای ورود کالاها به کشور و ... جلوه گر می‌شود.

۳- «اصل رقابت سالم و بدون سوءنیت» که در پرتو اقداماتی از قبیل منع اعطاء امتیازات غیرموجه (یارانه) به محصولات داخلی برای افزایش قدرت رقابت با محصولات خارجی و منع فروش کالا یا خدمات در کشور دیگر به زیر قیمت اصلی بویژه به منظور بازارشکنی محصولات داخلی آن کشور (ممنوعیت دامپینگ) و... متبلور می‌شود.

بنابراین، نظر به ضرورت تبعیت از اصول حقوقی - اقتصادی حاکم بر تجارت آزاد و جهانی، به طور قطع در فرآیند انتقال تکنولوژی، کشورها و اشخاص مختلف (اعم از انتقال دهندگان و انتقال گیرندگان تکنولوژی) ناگزیر به رعایت پاره‌ای نظامات مشخص و از پیش تعریف شده بین‌المللی می‌باشند که عدم توجه به آنها با ساختار فعالیت و حضور در عرصه

۱. منظور، توافق نامه کلی در خصوص تعرفه ها و تجارت است که به اختصار گات (General Agreement on Tarrifs and Trade) نامیده می‌شود و متن قدیمی آن در سال ۱۹۴۷ تنظیم و در سال ۱۹۹۴ اصلاح شد و همراه با دو موافقت نامه دیگر یعنی GATS و TRIPS تحت چتر سازمان تجارت جهانی یا WTO قرار دارند.

۲. منظور از توافق نامه مؤسس، توافق نامه تأسیس سازمان تجارت جهانی (Agreement Establishing The World Trade Organization) است که در سال ۱۹۹۴ در مراکش امضاء شد و از اسناد ضمیمه سند نهایی مذاکرات تجاری دوراروگوئه می‌باشد که در سال ۱۹۹۵ منجر به تشکیل سازمان تجارت جهانی شد.

اقتصاد جهان گرا و تجارت آزاد منافات دارد و به ربودن گوی از میدان بوسیله حریف منجر خواهد شد.

۲- پیامدهای حقوقی

به دنبال رویکردهای جدید عرصه جهانی شدن، شاهد تلاشها و تحولات حقوقی بویژه در حوزه تجارت بین‌المللی تکنولوژی هستیم. کارگزاران اقتصادی، تجاری و حقوقی سعی در همگامی موازین قانونی با نیازهای روزافزون بازارهای تکنولوژی دارند. عمده ترین این اقدامات در قالب مذاکرات ادوار مختلف تأسیس سازمان تجارت جهانی و اصلاح مقررات گات در سال ۱۹۹۴ در مورد تجارت کالاها، تدوین موافقت نامه گاتس در مورد تجارت خدمات در سال ۱۹۹۵ و موافقت نامه جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری موسوم به تریپس در همان سال متبلور است که متأثر از مسائل نوین حادث در حوزه تجارت بین‌المللی منجمله جهانی شدن اقتصاد و تجارت آزاد بوده است. شواهد عدیده دیگر وجود دارند که بر تلاش سازمانها، مجامع، و کشورهای مختلف دنیا در جهت نهادینه کردن جایگاه حقوقی و ابعاد قانونی انتقال تکنولوژی دلالت دارد که شاید بارزترین آنها مطالعات انجام شده در تدوین پیش نویس یک قانون جامع بین‌المللی در مورد انتقال تکنولوژی بوسیله «انکتاد»- سازمان تجارت و توسعه سازمان ملل متحد- باشد که مذاکره در مورد آن از سال ۱۹۷۰ شروع و تلاش در جهت تدوین قانون مزبور از سال ۱۹۷۲ رسماً آغاز شد. از آن زمان، مطالعات، مذاکرات، نشستها، و کنفرانس‌های مربوط کماکان ادامه دارد؛ ولی تا کنون به تدوین مقررات لازم الاجرا در این مورد منجر نشده است (UNCTAD Secretariat. 1990, PP:144-146) که شرح و بسط این موازین و سازوکارهای قانونی مجالی دیگر را می‌طلبد.

انعقاد موافقت نامه های متعدد در باب تجارت کالا (همانند گات) (GATT) و خدمات (همانند گاتس) (GATS)، جنبه های تجاری حقوق مالکیت‌های فکری (همانند تریپس) (TRIPS) و حل و فصل‌های اختلافات (Dispute Settlement Understanding) گواه این ادعاست. موافقت نامه‌های مزبور اصول آزادسازی تجارت و استثنائات مجاز را تشریح می‌کنند و ضمناً متضمن تعهدات کشورها برای کاهش تعرفه‌های گمرکی و سایر موانع تجاری و نیز باز کردن بازارهای خدمات می‌باشند. موافقت نامه های مزبور رویه هایی را نیز برای حل و فصل اختلافات در نظر گرفته‌اند و رفتاری خاص را برای کشورهای در حال توسعه مقرر می‌دارند و دولت‌ها را موظف می‌کنند تا سیاستهای تجاری خود را شفاف سازند. این شفاف سازی با آگاه ساختن سازمان تجارت جهانی از قوانین و معیارهای جاری کشورها و همچنین با ارائه گزارشهای منظم بوسیله دبیرخانه آن سازمان درباره سیاست های تجاری کشورها صورت

می‌گیرد. فهرست مطالب نتایج مذاکرات چند جانبه تجاری دور اروگوئه، یا متون قانونی که به تشکیل سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ میلادی منجر شد، مشتمل بر حدود ۶۰ موافقت نامه، پیوست، تصمیم، و تفاهم نامه است که تبعیت از آنها برای اعضا الزامی است (به استثنای مواردی که وضع مقررات خاصی به خود اعضا واگذار شده باشد).^۱

گرچه تلاشهای انجام شده در تنظیم و تنسيق مقررات حاکم بر بازار چشمگیر بوده است؛ با این حال نمی‌توان از کارآمدی و ضرورت اصلاح قوانین غافل ماند. در این میان به لحاظ برخی ملاحظات و استدلالات، تنها چاره اصلاح ناکارآمدی بازار، توسل به قانون و اصلاح همه جانبه قوانین برای دستیابی به قوانین اصلاح، کارآمدتر، قابل انعطاف تر، و موثرتر دانسته شده است (باقری، پیشین، ص ۷۳). اما بدون انکار این ضرورت به نظر می‌رسد ارتباط غیرقابل گسست مسائل اقتصادی و تجاری با بسترهای مختلف دیگر، همانند امور فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی و... به گونه‌ای است که تدبیر راه حل مشکلات و ناکارآمدی بازار را صرفاً نمی‌توان به قانونگذاران احاله کرد. بویژه با ظهور و پیدایش عرصه‌های نوین رقابت در بازار، همانند پیشرفت و تحول چشمگیر و جهان شمول تکنولوژی و گشایش بازارهای جدید، همواره قافله قانون و قانونگذاری یک قدم عقب تر حرکت می‌کند و از این رو از تأثیر قاطع و غیرقابل انکار تحولات تکنولوژیک بر اولویت های بازار نمی‌توان چشم پوشید. لیک در این مقام ما از تأثیر جهانگیر شدن اقتصاد و تجارت آزاد بر تکنولوژی و انتقال آن سخن می‌گوئیم و نه برعکس.

طبیعی است که فرآیند پیچیده و گسترده جهانی شدن اقتصاد و آزاد سازی تجارت متضمن آثار حقوقی مثبت و منفی به طور توأمان است. لیکن به نظر می‌رسد بروز آثار منفی این تحول بویژه از حیث پاره‌ای تعارضها و مغایرتها با اصول و موازین حقوقی ملی کشورها، از مقدمات تحقق اهداف مثبت دیگر است که در پرتو این فرآیند می‌توان از آنها به خصوص به نفع کشورهای کمتر توسعه یافته بهره جست. از جمله بارزترین این آثار فراهم شدن زمینه حقوقی مستعد برای انتقال تکنولوژی است. بند دوم ماده ۶۶ موافقت نامه سازمان تجارت جهانی در این ارتباط مقرر می‌دارد:

«کشورهای توسعه یافته عضو، انگیزه‌هایی را برای کارگزاران و موسسات واقع در قلمرو خود به منظور پیشبرد و تشویق انتقال تکنولوژی به کشورهای عضو دارای کمترین میزان

۱. برای مطالعه بیشتر در این مورد ر.ک. به: حمیدرضا نیکبخت، منبع پیشین، صص ۱۳۱-۶۷ و قنبری جهرمی، محمدجعفر (۱۳۸۲). «نهادهای بین‌المللی تجارت: گات و سازمان تجارت جهانی» مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی،

شماره ۲۸، صص ۲۴۲-۱۴۹ و همچنین ر.ک. به:

Qureshi Asif H. (1999). *International Economic Law*, London: Sweet & Maxwell, pp.253-287.

توسعه یافتگی، ایجاد خواهند کرد تا کشورهای مزبور بتوانند مبنای تکنولوژیکی مداوم و درستی را ایجاد کنند». مواد ۷ و ۸ موافقت نامه تریپس علاوه بر لزوم حمایت از حقوق مالکیت فکری صاحبان آثار فکری، بر ضرورت توسعه کشورها و تسهیل انتقال فناوری تأکید دارد. موافقت نامه تریپس علاوه بر مواد فوق، در ماده ۶۷ مقرر می‌کند که کشورهای توسعه یافته به شرط تقاضای کشورهای در حال توسعه یا کشورهایی که در پایین ترین سطح توسعه یافتگی هستند و ترتیباتی که مورد توافق دو طرف قرار می‌گیرد، متعهد به انجام همکاری فنی و مالی برای این کشورها می‌باشند. هدف از همکاریهای یاد شده، تسهیل اجرای مواد موافقت نامه و تحقق اهداف کلی سازمان تجارت جهانی یعنی توسعه و رفاه زندگی همه ملل است. همکاری های فنی مندرج در این ماده عبارت است از: کمک در تهیه قوانین و مقرراتی که در حمایت از مالکیت فکری و اجرای این حقوق و یا جلوگیری از سوءاستفاده از آنها وضع می‌شوند. همین طور شامل حمایت از تأسیس یا تقویت دفاتر و سازمانهای داخلی دخیل در این حوزه همانند آموزش افراد می‌باشد. علاوه بر اینها طی موافقت نامه مشترک که در دسامبر ۱۹۹۵ بین سازمان تجارت جهانی (WTO) و سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) منعقد شد، نوع کمکهای فنی ذکر شده که برای کشورها در نظر گرفته شده است، شامل کمک در آماده ساختن متن قوانین، آموزش ایجاد نهادهای لازم و نوسازی سیستم های مالکیت فکری و اجرای قوانین مربوطه است. ارائه این کمکها مشروط به آن نیست که کشوری عضو یکی از دو سازمان یا هر دو باشد. با وجود تأکید مفاد اسناد حقوقی یاد شده بر ضرورت همکاری کشورهای بیشتر توسعه یافته در راستای انتقال تکنولوژی به کشورهای دیگر، تحولات و چالش های موجود در این بعد هنوز متوقف نشده است. امروزه برغم گذشت بیش از یک دهه از زمان تصویب موافقت نامه، جنبه های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری، نقاط اختلاف برانگیز موجود که عموماً ناشی از نیاز به توسعه کشورهای در حال توسعه است، برطرف نشده و این امر به بروز و تشدید اختلافات در دو جبهه مخالف بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای کمتر توسعه یافته در سازمان جهانی مالکیت فکری منجر شده است. به طوری که این امر باعث شده هر دو دسته از کشورهای یاد شده بنا به ملاحظات ملی، از موضع و جایگاه تکنولوژیک خود دفاع کنند. کشورهای صاحب تکنولوژی و پیشرفته تر از ضرورت دفاع از حقوق مالکانه ناشی از موقعیت برتر تکنولوژیک خود سخن می‌گویند و کشورهای در حال توسعه در جهت به خدمت در آوردن این حقوق برای تأمین نیازهای خویش به منظور توسعه تلاش می‌کنند.

از سوی دیگر در اشاره به پیامدهای حقوقی مثبت پیوستن به کشورهای عضو باشگاه تجارت جهانی در امر انتقال تکنولوژی می‌توان به مواردی از قبیل؛ «فراهم شدن زمینه ایجاد

ثبات در امر قانونگذاری ملی و تبعیت از استانداردهای حقوقی بین‌المللی» در حوزه های مختلف مربوط به تجارت کالا و خدمات، حقوق مالکیت‌های فکری، سرمایه گذاری خارجی، آیین دادرسی و سیستم قضایی توانمند در ارائه یک پروسه منطقی و مطلوب رسیدگی به اختلافات حادث در این حوزه، همچنین «استفاده از مزایای اصول کلی رفتار ملی و رفتار دول کامله الوداد» که موجبات حصول اطمینان خاطر را برای دو طرف مبادلات تکنولوژیک در عرصه تجارت بین‌المللی فراهم می‌آورد و نیز «برخوردار از اصل مشورت و یافتن راه‌های عادلانه در نظام حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی» و ... اشاره کرد.

بی‌شک تحلیل آثار و نتایج حقوقی فرآیند جهانی شدن اقتصاد و آزاد سازی تجارت بطور مطلق و بدون توجه به سایر آثار از جمله آثار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مطلوب نیست. بررسی وضعیت بسیاری از کشورهای آسیایی و آفریقایی که با انگیزه همسویی با این فرآیند به سازمان جهانی تجارت ملحق شده‌اند، نشان دهنده آن است که عضویت کشورهای موصوف عملاً تحولی محسوس در دسترسی آزادانه و مطلوب تر به تکنولوژی و انتقال ساده تر و مطمئن تر تکنولوژی به این کشورها و به تبع آن تغییر در وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایجاد نکرده است، هر چند نظام حقوقی آنها بواسطه تغییر مستمر مقررات برای همسو کردن آنها با مقررات و استانداردهای جهانی، دچار تزلزل نیز شده است.

دو- تنوع معاملات و حوزه انعقاد قراردادهای انتقال تکنولوژی

تکنولوژی در معنای عام خود به مثابه کالاهای بازرگانی بین اشخاص و کشورهای مختلف مبادله می‌شود. این مبادله ممکن است در محدوده مرزهای ملی یا محدوده مرزهای بین‌المللی انجام گیرد. به دیگر سخن انتقال تکنولوژی در دو مقیاس ملی و جهانی صورت می‌گیرد. در محدوده ملی یا درون مرزی، تکنولوژی از صنعتی به صنعت دیگر و یا از بخشی از اقتصاد به بخش دیگر آن، و یا از سازمان و شخص به سازمان یا شخص دیگر قابل انتقال است. انتقال بین‌المللی یا برون مرزی تکنولوژی ممکن است میان دو کشور توسعه یافته، دو کشور در حال توسعه، از یک کشور توسعه یافته به یک کشور در حال توسعه و یا برعکس انجام شود. در هریک از موارد بیان شده فوق، بهر حال وجود انتقال دهنده (Transferor) و انتقال گیرنده (Transferee) حتمی است. در گذشته به دلیل ناآگاهی کشورهای در حال توسعه و تسلط کشورهای پیشرفته تر صنعتی بر روند انتقال تکنولوژی، آنچه بیشتر مورد معامله قرار می‌گرفت ماشین آلات بود (گروه کارشناسی معاونت امور اقتصادی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۸) و نه دانش فنی و یا مالکیت‌های فکری و تکنولوژیک. از این رو انتقال آن ماشین آلات طبعاً نمی‌توانست توسعه تکنولوژیک کشورهای کمتر توسعه یافته را در پی داشته باشد. صرف نظر از پرداختن به انگیزه‌های

طرفین، انتقال تکنولوژی نوعی دادوستد تجاری است که طبق قرارداد بین دو کشور، دو بنگاه یا دو شخص محقق می‌شود و مورد معامله حسب مورد می‌تواند متفاوت و گوناگون باشد. موضوعاتی از قبیل تجهیزات و ماشین آلات، روشها، فرآیند، نقشه و طرح‌ها، دانش ساخت و تولید کالاها یا عرضه خدمات، دانش نگهداری و تعمیرات، دانش مدیریت، دانش نوسازی و توسعه همگی ممکن است به صورت موردی یا توأمان به عنوان اجزا و اقسام تکنولوژی مورد معامله قرار گیرند. تحقق این منظور به ظهور و بروز بازارهای گوناگونی منجر می‌شود که در گردش آزاد تکنولوژی یا رقابت بر سر دستیابی یا توسعه و تحول آن نقش دارند. آنچه در ادامه خواهد آمد، نگاهی به انواع بازارهای موجود است که به عنوان فضایی برای نقل و انتقال تکنولوژی در حوزه تجارت داخلی یا بین‌المللی، توجه فعالان عرصه سوداگری را به خود معطوف داشته است.

الف- قراردادهای داخلی یا بومی انتقال تکنولوژی

پرواضح است که نقل و انتقال تکنولوژی یا تجارت آن در سطح داخلی هر کشور، بستگی به قابلیت‌های تکنولوژیک و تنوع تکنولوژی‌ها و «مزیت نسبی» دارد که بخشهای مختلف اقتصادی از آن برخوردار و یا با آن سروکار دارند. به طور مثال، بسته به قابلیت‌های تولید کالاها یا محصولات خاص و یا عرضه خدمات معین و یا نوع مالکیت‌های فکری و پدیده‌ها و آثار فکری و تکنولوژیک موجود در قلمرو ملی، امکان گردش ثروت در حوزه‌های مزبور در داخل کشور و یا صدور آن به خارج فراهم می‌آید و همان گونه که در مباحث نظری و مقدماتی مورد اشاره قرار گرفت، رونق بازار داخلی (و حتی خارجی) به کارایی و توانمندی برتر در موضوع یا موضوعات مختلف وابسته است.

علی‌الاصول هر کشور متناسب با مصالح و سیاست‌های اقتصادی و حقوقی خود، چارچوب حقوقی مشخصی را برای تحقق و رونق مبادلات تکنولوژیک طراحی می‌کند. با ملاحظه اصول و قواعد عمومی قراردادهای داخلی و مطالعه موازین مربوط به حمایت از آفرینه‌های فکری و تکنولوژیک، چارچوب حقوقی مبادلات مزبور و مشخص مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بدیهی است در این حوزه فارغ از مشکلات و نارساییهای احتمالی مربوط به تعارض قوانین که اصولاً ناشی از مداخله یک عنصر خارجی در قرارداد است، می‌توان به تدبیر راه حلی جامع در خصوص نحوه انعقاد قراردادها و ابعاد حقوقی مبادلات تکنولوژیک دست یافت.

به طور کلی در صحنه داخلی، الگوهای نوآوری‌های تکنولوژیک از یک کشور نسبت به کشور دیگر و یا از سازمانی به سازمان دیگر و حتی در درون واحدهای مختلف یک سازمان

ممکن است متفاوت باشد. از این رو کارگزاران عرصه نوآوریها و تجارت تکنولوژی باید تعیین کنند کدام الگو (با توجه به واقعیتهای موجود، بازار، جامعه، و مزیت نسبی هر تکنولوژی)، در توسعه درون زای تکنولوژی مطلوب تر است (ملکی فر، ۱۳۷۵، ص ۲۱). در این راستا سه الگوی مناسب برای تحصیل و دنبال کردن نوآوریهای تکنولوژیک در داخل کشور قابل ذکر به نظر می‌رسد:

۱- نوآوری بر مبنای «تحقیق و توسعه» که هدف آن اختراع تکنولوژی جدید یا محصولی کاملاً جدید است. البته هدف تحقیق و توسعه در کشورهای پیشرفته صنعتی و کشورهای در حال توسعه متفاوت است. گروه اول معمولاً به گسترش و توسعه مرزهای تکنولوژی موجود می‌اندیشند، ولی کشورهای در حال توسعه معمولاً می‌کوشند تا تکنولوژیهای موجود را از نو تحصیل و اختراع کنند متأسفانه این تلقی به مثابه «اختراع دوباره چرخ» محسوب می‌شود و از این روست که از رهگذر این روش، توفیقی چندان عاید این دسته از کشورها نشده است. در کشورهای صنعتی و پیشرفته تر، عموماً تکنولوژیهای جدید از دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی به سمت مراکز تولیدی و صنعتی جریان دارد و از این رو نوعی دادوستد تجاری تکنولوژی بین این دو حوزه در جریان است؛ در حالی که این تعامل مطلوب در کشورهای در حال توسعه کمتر مشهود است.

۲- نوآوری بر مبنای «به سازی تکنولوژی های وارداتی». مزیت استفاده از الگوی مزبور آن است که از این راه تکنولوژی ها و محصولات به بازار عرضه می شود که بکارگیری و تولید آنها در داخل کشور سابقه نداشته است. نتیجه آنکه تکنولوژی جدید صرف نظر از منشأ اکتساب آن، یک تکنولوژی بومی محسوب می‌شود و نه تنها قابلیت عرضه به بازارهای داخلی را دارد، بلکه خود می‌تواند به عنوان تکنولوژی مستقل و منحصر به فرد به خارج از کشور هم انتقال یابد. این الگو عامل اصلی موفقیت ژاپنی ها و همچنین کشورهای تازه صنعتی شده دیگر مانند کره جنوبی، مکزیک و برزیل می‌باشد. برای مثال شرکت «فوجی» ژاپن، تکنولوژی ماشینهای کپی را از شرکت آمریکایی «زیراکس» خرید و با بهسازی تدریجی که طی مدت ده سال بر آنها انجام داد، ماشینهای بهتر از خود زیراکس ساخت و شرکت آمریکایی را در معرض ورشکستگی قرار داد.

۳- نوآوری بر مبنای ادغام تکنولوژی: در این الگو، یک تکنولوژی پیشرفته که ممکن است از راه تحقیق و توسعه و یا انتقال تکنولوژی از خارج به دست آمده باشد، با یک تکنولوژی موجود ادغام می‌شود و تکنولوژی ترکیبی یا پیوندی نوین پدید می‌آورد. در این بعد نیز ژاپنی ها را استاد آغازگر این شیوه می‌دانند. به طور مثال صنایع ژاپن توانستند با ترکیب تکنولوژی

ستی «مکانیک» و تکنولوژی پیشرفته «الکترونیک»، به ابداع تکنولوژی «مکاترونیک» نایل آمده و ماشین های تراش «سی ان سی» را به جای ماشین تراش سنتی به بازار عرضه کنند.

ب- جهانی شدن و تجارت بین المللی تکنولوژی

بنابر آنچه در حوزه حقوق داخلی کشورها گفته شد، ضرورت های ناشی از فرآیند جهانی شدن اقتصاد و آزاد شدن تجارت باعث شده است تا تمامی نظام های حقوقی از طریق فراهم کردن بستر قانونی لازم در داخل کشور و پذیرش نظامات بین المللی رایج، فضای مستعد حقوقی را برای مبادلات آزاد و روان تکنولوژی فراهم سازند و از آن طریق بهره مفید خود را به دست آورند. اما در عرصه بین المللی، تحولات تکنولوژیک تحت تأثیر عوامل گوناگون از جمله ضرورت دستیابی به ذخایر طبیعی سایر کشورها و ناکامی برخی از کشورها در توسعه تکنولوژیک و نیاز به توسعه اقتصادی و همچنین بدنبال گسترش حوزه فعالیت شرکتهای چند ملیتی، بازارهای جدید بین المللی در حوزه تجارت بین الملل ایجاد شده و تحت تأثیر این امر شیوه های مختلف نیز برای تجارت تکنولوژی در جهان رایج شده است. خرید و فروش، قراردادهای ليسانس، سرمایه گذاریهای تجاری بین المللی اعم از سرمایه گذاری مستقیم خارجی و قراردادهای مشارکت انتفاعی و شیوه های متعدد دیگر قراردادی- تجاری موجود دلالت بر پیدایش فضا و مفهوم جدیدی از تجارت بین المللی دارد که نه تنها از بعد اقتصادی- تجاری بلکه از جهت حقوقی نیز توأم با تحولات جدید در حقوق داخلی و حقوق تجارت بین المللی بوده است (Dunfee & others, 1989:PP.1243-1275).

اقتصاددانان اغلب تکنولوژی را بر مبنای تجزیه و تحلیل شرایط رقابتی موجود در بازار مورد مطالعه قرار می دهند. بنابراین اگر تکنولوژی به مثابه مبادله سایر کالاها دانسته شود، و چنانچه بازارها به طور آزادانه و بر مبنای ترجیحات رقابتی عمل کنند، در آن صورت در خصوص انتقال تکنولوژی هم هیچ گونه مشکلی وجود نخواهد داشت و تکنولوژی هم صرف نظر از منشاء آن به سادگی و فوراً قابل انتقال خواهد بود. لیکن پاره ای از اقتصاددانان (Archibugi & Petrobelli, 2003:P.864) به اعتبار خصایص ویژه تکنولوژی و تحولات تکنولوژیک معتقدند نمی توان تکنولوژی را به مجموعه ای از طرح و دستور العمل های ساده تشبیه کرد که در صورت تبعیت از آنها می توان به نتیجه ای معین دست یافت. بنابراین، انتقال تکنولوژی متضمن مسائلی مهم خواهد بود که با قابلیتها و توانمندی های یک کشور همراه و توأم خواهد بود و ممکن است بتوان آن را با شرایط محلی وفق داد و از آن به عنوان فرصتی استفاده کرد، یا اینکه بواسطه عدم درک شرایط موجود آن را هدر داد. به عبارت دیگر، انتقال تکنولوژی جذب و اکتساب آن از خارج را با استفاده موثر و کارا از آن در جهت توسعه

اقتصادی پیوند می‌دهد، از این رو صرف جذب تکنولوژی خارجی، تضمین‌کننده توسعه صنعتی و تکنولوژیک نیست.

بسته به نوع و محدوده نیاز انتقال گیرنده از یکسو و قابلیت‌های اقتصادی و تجاری انتقال دهندگان تکنولوژی از دیگر سو، سازوکارهای حقوقی و قراردادهای مختلف در خصوص نحوه مبادله تکنولوژی طراحی و بوجود آمده است. در عرصه بازارهای بین‌المللی تنوع و گوناگونی شیوه‌های تجاری انتقال تکنولوژی که اصولاً متأثر از موقعیت و مرجحات اقتصادی و تجاری طرفین مبادله است، همواره با پیچیدگیهای حقوقی توأم بوده است، تحلیل سازوکارهای قراردادی و مسائل حقوقی ناشی از آن در پی تحولات ناشی از همگرایی اقتصادی جهانی مستلزم وجود مجال دیگر است.

فارغ از نارساییهای اقتصادی، موانع حقوقی عدیده در نظام حقوقی ایران وجود دارد که مستلزم جرح و تعدیل ساختاری و همسو با شرایط و ویژگیهای بازار آزاد است. این موانع در پیکره پاره‌ای اصول حقوقی حاکم بر نظام سیاسی-اجتماعی ایران و قانون اساسی همانند اصول چهارم، چهل و چهارم، هشتاد و یکم، یکصد و سی و نهم و قوانین عادی همانند قانون سرمایه‌گذاری خارجی، قوانین تجارت خدمات در حوزه امور بانکی، بیمه، گمرکی، مالیاتی، به وضوح قابل مشاهده است که شرح و بسط آنها از حوصله این مقال خارج است. عدم همسویی با موازین و استانداردهای حقوقی بین‌المللی در زمینه تجارت کالا همانند گات، خدمات همانند گاتس، و مالکیت‌های فکری همانند تریپس، از دیگر موانع اساسی حقوقی در این زمینه بشمار می‌رود. کشور ایران به واسطه عدم الحاق به موافقت‌نامه کلی سازمان تجارت جهانی و ضمائم آن، توفیقی در همگامی و بهره‌گرفتن از بسترهای مناسب تجاری موجود و کاربرد آنها در تجارت داخلی و خارجی خود به دست نیاورده است (اخلاقی، ۱۳۸۳، صص ۲۶-۲۱ و ماندگار، ۱۳۸۴، صص ۱۵۷-۱۴۳).

نتیجه

قراردادهای انتقال تکنولوژی متأثر از شرایط صنعتی، تجاری، حقوقی، سیاسی و اجتماعی گوناگون منعقد می‌شوند. از عمده‌ترین مولفه‌های موثر در تعیین ابعاد اقتصادی و حقوقی این نوع قراردادهای، می‌توان به فرآیند جهانی شدن و بویژه جهانی شدن اقتصاد و اقتضات ناشی از تجارت آزاد اشاره کرد. اهمیت استراتژیک تکنولوژی و تمرکز و مالکیت آن برای کشورهای خاص و نیاز بویژه کشورهای در حال توسعه به تکنولوژی باعث بهم خوردن تعادل قراردادی و امکانات و تواناییهای طرفین در جهت تقویت قدرت چانه‌زنی انتقال دهندگان تکنولوژی می‌شود که بعضاً باعث تحمیل تعهدات و شرایط گزاف و حتی مغایر با اصول حقوقی به

انتقال گیرندگان تکنولوژی می شود. از اینرو با عنایت به مقتضیات خاص حاکم بر این قراردادها، تدبیر سازوکارهای حقوقی مطلوب برای کنترل و نظارت بر فرآیند انتقال تکنولوژی در شرایطی متوازن، خصوصاً در عرصه بازارهای بین‌المللی ضروری است. متأثر از فرآیند جهانی شدن اقتصاد و تدارک شرایط مطلوب در جهت مبادلات آزاد تجاری، تلاشهای صورت گرفته در قالب تدوین پاره‌ای کنوانسیون‌های بین‌المللی و تلاش برخی سازمانهای بین‌المللی در این رهگذر مفید اما ناکافی به نظر می‌رسد و تحول و بازسازی ساختاری در تدوین قوانین و کنوانسیون‌های متحدالشکل و تحت نظارت سازمانهای اقتصادی-حقوقی بین‌المللی-ویژه قراردادهای انتقال تکنولوژی- و الزام کشورهای و نظامهای ملی حقوقی به تبعیت از این سازوکارهای حقوقی را می‌طلبد. بدنبال ایجاد تضمینات قانونی لازم در نظامهای حقوقی داخلی و عرصه بین‌المللی برای تأمین نیاز و حمایت از منافع انتقال گیرندگان تکنولوژی از یکسو و حفظ حقوق و مرجحات قانونی و موقعیت برتر تکنولوژیک انتقال دهندگان تکنولوژی از دیگر سو، مبادله آسان و توسعه و تحولات نوین و نوآوریهای تکنولوژیک بدست می‌آید و در نهایت در پرتو کاهش ریسک اقتصادی و حقوقی ناشی از سرمایه گذاری و انتقال تکنولوژی، شرایط و بسترهای حقوقی لازم در جهت تعدیل شروط و مفاد قراردادهای انتقال تکنولوژی بصورت معقول و متوازن فراهم و تقویت می‌شود.

منابع و مأخذ

الف- فارسی

۱. اخلاقی، بهروز (۱۳۸۳)، «چالش‌های ورود کشورهای اسلامی به نظام حقوقی اقتصادی بین‌المللی با تأکید بر ایران»، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۵، سال سوم، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
۲. السان، مصطفی (۱۳۸۵). «ابعاد حقوقی انتقال فناوری از طریق سرمایه‌گذاری خارجی»، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۹، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
۳. باقری، محمود (۱۳۸۵)، «دستیابی به قوانین مالی اصلاح در چارچوب گاتس»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷۴.
۴. بختیاری، منوچهر (۱۳۸۰)، «امبانی، موانع و روشهای حقوقی حمایت از سرمایه‌گذاری‌های تجاری - اقتصادی بین‌المللی»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۵. سلطانی، علیرضا (۱۳۸۲)، «نقش دولت در ادغام کشورهای در حال توسعه در فرآیند جهانی شدن اقتصاد»، مجموعه مقالات جهانی شدن اقتصاد، تهران، موسسه مطالعات پژوهشهای بازرگانی.
۶. جوان، فرهاد (۱۳۸۱)، «سیاست توسعه صادرات و ارتباط آن با پیوستن به سازمان جهانی بازرگانی»، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۱۸۰-۱۷۹.
۷. کمالی اردکانی، مسعود (۱۳۸۲)، «جهانی شدن اقتصاد و بین‌المللی شدن خدمات»، مجموعه مقالات همایش جهانی شدن اقتصاد، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

۸. گروه کارشناسان مذاکرات تجاری در نمایندگی تام الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، آشنایی با قواعد سازمان تجارت جهانی، (۱۳۸۱)، چاپ اول، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
۹. گروه کارشناسی معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۷۳). انتقال تکنولوژی در بخش صنایع سبک ایران، چاپ اول، تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی.
۱۰. ماندگار، مصطفی (۱۳۸۴)، «مدخلی بر نظام حقوقی حاکم بر نظام حقوقی حاکم بر سرمایه گذاری خارجی در ایران»، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۷، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای شهر دانش.
۱۱. ملکی فر، عقیل (۱۳۷۵)، «مطالعه تطبیقی استراتژی علم و تکنولوژی آمریکا و ژاپن از جنگ جهانی دوم تا کنون»، پایان نامه کارشناسی ارشد مهندسی صنایع دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
۱۲. نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۸۲)، «نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی (WTO)»، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۷.
۱۳. هادی زوز، بهروز (۱۳۷۹)، سرمایه گذاری خارجی در ایران، چاپ اول، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.

ب- خارجی

- 1-Ameri Feysal (1994). **The International Legal Regim For the Transfer of Technology To Developing Countries with Special Reference to Deep Seabed Mining**, ph.D. Thesis, Faculty of Law, university of Manchester.
- 2-Archibugi Daniele and Petrobelli Carlo (2003). **The Globalization of Technology and its Implications for Developing Countries Windows of Opportunity or Futher burden? Technological Forecasting & social change**, No.10, available: at: <Http//www.Sciencedirect.com>
- 3- Dunfee Thomas W., Gibson Frank F. and other Authors, (1989). **Modern Business Law**, Second edition , New York , Rondon House Business Division
- 4- Kasto Jalil (1993). **International Law of Technology**, first edition, London print center
- 5-Skelton James w. (1981). "unctads Draft code of conduct on *The Transfer of Technology: A aritique*". **In vanderbilt Journal of Transnational Law**, vol.14 avaiable at: <http://www.Heinonline.org/14 vand./J.Transnatl L/>
- 6-Unctad Secretariat (1990). "The Relevance of Recent Development in the Area of Technology to the Negotiations on the Draft International code of conduct on the Transfer of Technology". **International Technology Transfer** (2001). Edited by S.J.Patel, Netherland , Kluwer law International.